



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۳۸ - ارتباط آیه با آیات قبل و بعد - مفردات
تاریخ: ۱۶ فروردین ۱۴۰۰
مصادف با: ۲۲ شعبان ۱۴۴۲
جلسه: ۴۸

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

آیه ۳۸ این است: «قلنا اهبطوا منها جميعا فاما يأتينكم مني هدى فمن تبع هداى فلا خوف عليه ولا هم يحزنون». ترجمه تحت اللفظی آیه روشن است. خداوند متعال میفرماید: ما گفتیم همگی از آن جنت هبوط کنید؛ پس در صورتی که از ناحیه ما هدایتی برای شما رسید، چنانچه کسی از هدایت من تبعیت کند آنگاه نه گرفتار خوف و نه گرفتار حزن نخواهد شد.

ارتباط آیه با آیات قبل و بعد

ارتباط و تناسب این آیه با آیه قبل و آیه بعد روشن است. چه اینکه در آیات قبلی سخن از این بود که شیطان آنها را گرفتار لغزش کرد و لغزیدند و خداوند متعال به آنها امر به هبوط به سوی زمین کرد. یعنی نهی کرد آنها را از آن شجره ممنوعه، لکن آنها به وسوسه شیطان از آن شجره ممنوعه خوردند و بعد اتفاقی افتاد و عورت ها آنها نمایان شد. کشف آن امر قبیح گردید و خداوند دستور داد که شما، یعنی هم آدم و هم حوا و هم شیطان هبوط کنید به سوی زمین و بروند به آنجا و استقرار داشته باشند تا قیامت و زمانی که مرگشان فرا برسد.

بعد از آنکه به سوی زمین آمدند، مسئله هدایت الهی مطرح می شود. یعنی خداوند متعال اینجا میفرماید همگی هبوط کنید، لکن بعد از آنکه در زمین استقرار پیدا کردید، آنگاه چنانچه از ناحیه من به شما هدایتی رسید، یعنی دین و راهنمایی و هدایت در برابر شما قرار گرفت، پس در صورت تبعیت کسی گرفتار حزن و خوف نمی شود. یعنی به مسئله رفتار و موضعی که انسان در برابر دین و هدایت الهی باید اتخاذ کند اشاره می کند. در واقع کآن در این آیه اشاره دارد به اینکه زمین آغاز شریعت است و اینکه انسان ها در برابر این شریعت اگر راه تبعیت از هدایت را در پیش بگیرند، گرفتار حزن و خوف نمی شوند. البته در آیه ۳۹ میفرماید: آن کسانی که انکار کنند و تکذیب کنند آیات ما را، عذاب سخت و جاودانه در انتظارشان است.

به هر حال از نظر ارتباط کاملا روشن است که آیه ۳۸ با آیه ۳۷ و ۳۶ که قبل از این است و آیه ۳۹ چه ارتباطی دارد. آن اتفاقی که در جنت افتاد و آدم از آنجا رانده شد و به زمین هبوط کرد، در واقع می خواهد بگوید که زمین خاستگاه دین و شریعت انسان است. انسان در زمین در معرض هدایت خدا قرار می گیرد و اگر کسی از این هدایت بهره برد و

تبعیت کند، کآن نجات یافته و دیگر خوف و حزنی برای او پیش نمی‌آید و اگر کسی راه غیر هدایت را اختیار کند، طبیعتاً آن عذاب سخت در انتظارش است.

یک نکته دیگری که می‌توانیم برای ارتباط با آیه قبل به آن اشاره کنیم، این است که در آیه قبل بحث توبه هم پیش آمد. خداوند متعال فرمود: «فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آدم توبه کرد و خداوند عالم بسیار توبه پذیر و بخشاینده است. اینکه بعد از توبه آدم می‌فرماید خداوند بسیار توبه پذیر است، بسیار توبه پذیر به اعتبار این است که اگر یک فرد و یک انسان گناهان بسیار کند و توبه کند، باز خدا توبه او را می‌پذیرد. لذا تواب می‌تواند به اعتبار گناهان بسیار یک فرد باشد. خداوند توبه او را پذیرفت، خداوند توبه آدم را پذیرفت چه اینکه خداوند بسیار توبه پذیر است. آدم یکبار توبه کرد، اما اگر انسان‌ها دائماً معصیت کنند ولی باز توبه کنند خداوند توبه آنها را می‌پذیرد و رحیم است.

اینکه بین تواب و رحیم هم جمع کرده در واقع می‌خواهد بگوید خداوند کآن یک تفضل ویژه ای نسبت به تائبین دارد. یعنی هم می‌بخشد و هم عفو می‌کند و هم احسان می‌کند. کآن خداوند تبارک و تعالی جایزه می‌دهد به توبه کننده از گناه و کآن دو تا جزاء می‌دهد، هم می‌بخشد و هم پاداش می‌دهد.

به هر حال آن جهتی که مد نظر بود، این بود که مسئله توبه کآن یک امری است که با انسان بعد از هبوط به زمین قرین شده. خداوند تبارک و تعالی توبه را به عنوان یک امر قرین با انسان (چون همواره در حال عصیان است)، قرار داده است. در این آیه سخن از هبوط به سوی زمین و شریعت و مسئله تبعیت از هدایت الهی است. آنوقت یک جهت ربط این آیه با آیه قبل، همین مسئله توبه است. یعنی کآن خداوند متعال برای انسان به عنوان اینکه اهل عصیان است، هم دین قرار داده و هم توبه. هم هدایت قرار داده و هم مغفرت. هدایت برای تبعیت است؛ کسی که تبعیت می‌کند از این هدایت، آن آثار را دارد. کسی هم که تبعیت نمی‌کند و گرفتار عصیان می‌شود و انحراف جزئی پیدا می‌کند، برای آنها خداوند توبه قرار داده. لذا این هم یک جهت ارتباط است که می‌توانیم در اینجا اشاره کنیم.

ما طبق معمول هم از تناسب این آیه و ارتباطش با آیات قبل و بعد سخن می‌گوییم و هم مفردات.

مفردات آیه

۱. «جمیعا»

«قلنا اهبطوا منها جمیعا»، از نظر خود مفردات این آیه چیز خاصی ندارد الا کلمه جمیعا که ما قبلاً هم گفتیم که اینجا منظور از جمیعا آدم، حوا و ابلیس است. البته یک احتمال دیگری هم جود دارد که این اشاره به آدم و ذریه آدم داشته باشد. این احتمال قبلاً هم ذکر شد، بعضی قائل به این احتمال اند. یعنی اینکه خداوند می‌فرماید: «اهبطوا منها جمیعا» یعنی آدم و ذریه اش و ابلیس دیگر در اینجا مد نظر نیست. این دو احتمال را ما قبلاً ذکر کردیم و همانجا هم وجه ترجیح معنای اول و احتمال اول را گفتیم که اینجا منظور از جمیعا یعنی آدم و حوا و ابلیس همگی هبوط کنید. اینکه همه هبوط

کنید معنایش این نیست که نحوه هبوط و مکان و زمان و... با هم منطبق باشد. می‌تواند در عین حال متفاوت هم باشد از حیث مکان هبوط و یا بعضی از جزئیاتی دیگر که بعدا خواهیم گفت.

۲. «إِما»

«جمیعا فإِما یأتینکم منی هدی». این کلمه «إِما» در اینجا حرف شرط است. آنوقت «فإِما یأتینکم منی هدی» تا به آخر می‌شود مجموع جمله شرطیه. ولی جزائش «فلا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون» است. این مانند این است که مثلا کسی به دیگری بگوید: إن جئتنی إن قدرتُ أطمعُتک؛ اگر نزد من بیایی و من هم بتوانم، اطعامت می‌کنم. اینجا هم همینطور است.

پس چنانچه از ناحیه من هدایتی به شما رسید، آنگاه اگر کسی تبعیت کند هدایت من را، «فلا خوف علیهم هو لا هم یحزنون». پس «إِما» جمله شرط است، آن «فمن تبع هدای» یکی شرطی است که در دل این جمله شرطیه ذکر شده و جزائش هم می‌شود «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون». البته این توضیحاتی هم دارد که چرا خداوند متعال به صورت جمله شرطیه فرمود: «فإِما یأتینکم منی هدی» که آن را بعدا عرض می‌کنم.

۳. «منی» و «هدای»

مورد سوم کلمه «منی» است که چرا خداوند فرموده: «یأتینکم منی» و بعد هم فرموده: «فمن تبع هدای»؟ این «یأتینکم منی هدای» اقتضا می‌کرد که به دنبالش بگوید فمن تبعه. آوردن ضمیر متکلم در این دو کلمه به چه هدفی صورت گرفته، در واقع خداوند متعال به این نکته اشاره می‌کند که هر چه هست، هدایت من است. هدایت من معنایش فقط شریعت نیست. اگر هدایت از ناحیه عقل هم باشد، این هم هدایت خدا است. اینجا «هدای» فقط به معنای ارسال رسل و انزال کتب نیست، کأن خداوند میفرماید من برای شما وسیله و طریقی برای هدایت قرار داده‌ام، اگر شما از این مسیر بروید قهرا خوف و حزن خواهید داشت. اما «هدای» یعنی قرآن و انبیاء و عقل به عنوان هادی باطنی و درونی لذا هر دو را در بر می‌گیرد که اصل هدایت از ناحیه خدا است.

۴. «خوف» و «حزن»

خوف در واقع به معنای ترس است منتهی ترس از دست دادن و نگرانی از فقدان چیزی در آینده است. «خوف» معمولا نسبت به آینده مطرح می‌شود. «حزن» هم به معنای نگرانی و اندوه است منتهی اندوه نسبت به از دست دادن چیزی در گذشته. البته این به این معنا نیست که حزن و اندوه نسبت به آینده معنا نداشته باشد، غالبا اینطور است که حزن در جایی بکار می‌رود که نگرانی از بابت از دست دادن چیزی در گذشته است، ولی خوف معمولا نسبت به آینده است. اینکه انسان ترس و نگرانی داشته باشد که یک چیزی را در آینده از دست بدهد، این را می‌گویند خوف.

یک مرحله بالاتر از این خشیت است که در واقع یک چیزی اضافه تر دارد و آن باور قلبی است. یعنی اگر این یک ریشه و منشأ اعتقادی و قلبی داشته باشد می شود خشیت.

به هر حال خداوند متعال میفرماید: کسی که در مسیر هدایت و تبعیت هدایت من قرار بگیرد، نه خوف به سراغ او می آید و نه حزن گریبان او را می گیرد.

این یک توضیحی در مورد مفردات آیه بود و دیگر لفظ خاص و واژه مفرد خاصی که نیاز به توضیح داشته باشد در اینجا وجود ندارد. اما مطالبی که در این آیه وجود دارد، مطالب متعددی است. چندین مطلب در این آیه ذکر شده.

مطلب اول درباره امر به هبوط است. خداوند در طلیعه این آیه میفرماید: «قلنا اهبطوا منها جميعا»، امر به هبوط از جنت آنهم به همه. یک سوال و پرسش اساسی در اینجا مطرح می شود که چرا در اینجا خداوند امر به هبوط کرده در حالی که در آیه قبل امر به هبوط شده بود؟ آیا این تکرار آن است یا خیر؟ اگر تکرار نیست، چه معنای جدیدی را افاده می کند؟ اگر تکرار است، فایده اش چیست؟

اینجا وجوه و احتمالات متعدد و بلکه اقوال متعددی وجود دارد که این وجوه و احتمالات را انشاءالله در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»